

که شما خود را در آن متبحر می‌دانید، کنفرانسی برگزار می‌کند. غرور شما اجازه حضور در این کنفرانس را نمی‌دهد، چراکه حضور در این کنفرانس را کسرشان می‌دانید. اتفاقاً در این کنفرانس، روش جدیدی در حل مسئله مطرح می‌شود و مورد تشویق همه قرار می‌گیرد. آنچه مانع از این خیر (فهم روش جدید در حل مسئله) شده تکبر بی‌جاست.

امام کاظم علیه السلام چه تمثیل زیبایی درباره رشد علمی و تواضع بیان داشته‌اند: «يَا هِشَامُ إِنَّ الْزَّرعَ يَنْبُتُ فِي السَّهْلِ وَ لَا يَنْبُتُ فِي الصَّفَا فَكَذَلِكَ الْحِكْمَةُ تَغْمَرُ فِي قَلْبِ الْمُتَوَاضِعِ وَ لَا تَغْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَكَبِّرِ الْجَبَارِ لِأَنَّ اللَّهَ جَعَلَ التَّوَاضُعَ آلَةَ الْعُقْلِ وَ جَعَلَ التَّكَبُّرَ مِنْ آلَةِ الْجَهَلِ؛» محصل کاشتنی در دشت هموار می‌روید، نه در سنگ سخت. حکمت نیز در درون انسان متواضع رشد می‌کند، نه قلب متکبر سرکش. (در سنت الهی) تواضع ابزار عقل است و تکبر ابزار جهل.»

◆ تمرين

«همسان انگاری با دانشجویان دیگر موجب رسیدن خیر به فرد می‌گردد.» دو مورد از مصاديق خیر در ادامه نوشته شده‌است. شما نیز سه مورد دیگر اضافه کنید:

۱. زمینه ارتباط علمی بیشتر و شناخت روش‌های جدید را برای انسان باز می‌کند.
۲. قدرت سازگاری فرد را در کارهای گروهی افزایش می‌دهد.

....۳

....۴

....۵

۱-۴. انگیزه جدی خدمت

دانش‌اندوزی به چه هدفی صورت می‌گیرد؟

پاسخ به این سؤال نقش مؤثری در مواجهه‌های اخلاقی با موقعیت‌های علمی در عرصه دانشگاه دارد. مثلاً موقعیتی را فرض کنید که استاد دانشگاه از دانشجوی خود انتظار دارد در تألیف یک مقاله علمی به وی کمک کند. در فرایند تحقیق، دانشجو متوجه می‌شود استاد مربوطه هیچ الزامی به اصول و کدهای اخلاقی در پژوهش ندارد و گاهی آنچه انجام می‌دهد آشکارا مصدق سرقت علمی است. این دانشجو، اگر هدفش از دانش‌اندوزی صرف گرفتن نمره و پاس کردن درس باشد، حساسیتی به این رفتارها نشان نخواهد داد و

شاید به دلیل شخصیت مقتدر استاد، خودش نیز دست به سرقت علمی بزند تا سریع‌تر به خواسته خویش برسد. اما دانشجوی دیگری هدف ترسیم‌شده خود از دانش‌اندوزی را نه کسب نمره، که خدمت صادقانه به عرصه علم می‌داند و به رغم همه فشارهای محیطی، انتخاب غیراخلاقی نمی‌کند.

اگر دانشوری را ابزاری برای کسب قدرت یا ثروت بدانیم، چه می‌شود؟ به نظر می‌رسد در این صورت نیز ممکن است رفتارهای اخلاقی بهتری از ما سر بزند، ولی در برخی از وضعیت‌ها باز انتخاب منفعت طلبانه در اولویت خواهد بود. موقعیتی را مبتنی بر تعارض منافع در نظر بگیرید که دانشجویی برای دریافت کد فعالیت پژوهشی نیازمند کنار زدن رقیب علمی خود باشد. در این وضعیت، فردی که تحصیل و آموزش را وسیله‌ای برای کسب درآمد به هر نحو می‌داند، انتخابی متفاوت با کسی خواهد داشت که تحصیل و آموزش را وسیله‌ای برای رشد و خدمت‌رسانی به دیگران می‌داند و کسب درآمد در پله‌های بعدی انتخاب اوست.

انتخاب وابسته به هدف است. هدف ما از دانشوری هرچه باشد، انتخاب ما در هنگام کپی‌برداری از آثار دیگران، تقلب در جلسه آزمون، خیرخواهی نسبت به هم‌کلاسی، ارزشیابی استاد مدعو و... متفاوت خواهد بود.

۵-۱. رقابت اخلاقی

ساحت علم و تولید علم، بدون رقابت، معنا ندارد. رقابت انگیزه و خلاقیت افراد را در عرصه تولید علم تقویت می‌کند. رقابت روی دیگری نیز دارد؛ بدگویی، حسادت، زیربازی، تهمت و رذایل اخلاقی‌ای از این دست، در رقابت‌های ناسالم بروز می‌یابند. نظام آموزشی و کنشگران عرصه علم (استاد، دانشجو و کادر اداری) برای محافظت از فضای اخلاقی دانشگاه موظف‌اند رقابت را در فضایی سالم هدایت کنند. استادی که سر کلاس دانشجویان نخیه را با نگاه و چشم دیگری می‌نگرد زمینه را برای حسادت دیگر دانشجویان فراهم می‌آورد و فضای رقابت را ناسالم می‌کند. نظام آموزشی‌ای که قوانین و قواعدی تبعیض‌آمیز در دانشکده تعریف می‌کند زمینه بروز رقابت‌های ناسالم را فراهم می‌آورد.

۱-۶. غنیمت شمردن فرصت‌ها

به تعبیر امیرالمؤمنین علیه السلام، فرصت زندگی انسان همچون ابرهای بهاری سریع و بی‌سروصدای می‌گذرد: «وَالْفُرْصَةُ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ فَأَنْتَهُزُوا فُرْصَتَ الْخَيْرِ».^۱ دوره دانشجویی دوره‌ای است که همچون ابرهای بهاری با سرعت می‌گذرد و اگر این فرصت‌های کسب خیر را در این دوره غنیمت شمریم، آینده علمی و معیشتی ما تأمین خواهد شد.

۱-۷. عشق ورزیدن به فعالیت علمی و لذت بردن از کار علمی

عشق اکسیری است که انسان را به سمت معشوق می‌کشاند. خستگی، بی‌حصلگی، تنبیلی، فرار از وظیفه و... زمانی پیش می‌آید که انسان به آن فعالیت علمی و غیرعلمی عشق نورزد. مطالعه کتاب با عشق و کشش درونی موجب می‌شود مدت‌ها زمان را احساس نکنیم. در سیره اندیشمندان و بزرگان علمی آمده است که ساعت‌ها مشغول مطالعه و تحقیق بوده و حتی شب را صبح کرده‌اند، ولی خستگی و گذر زمان را متوجه نشده‌اند.

۱-۸. برنامه‌ریزی مناسب

یکی از لوازم ضروری موفقیت در دانشوری برنامه‌ریزی است. در مفهوم برنامه پنج عنصر و رکن اساسی نهفته است: هدف، روش، وسائل، عمل و ارزشیابی.^۲ برنامه‌ریزی مناسب برنامه‌ای است که متناسب با اهداف، امکانات، افراد، زمان و مکان موردنیاز باشد؛ یعنی برنامه‌ریزی درست دانشجو را برای دستیابی به مقصد و هدف مدنظر هدایت می‌کند و نیز اقداماتی را که برای رسیدن به هدف در آینده لازم است مشخص می‌سازد.

برنامه‌ریزی مناسب دو خصوصیت اصلی دارد:

ویژگی اول انطباق برنامه با واقعیت‌های است. برنامه‌ریزی ای که با واقعیت موجود در محیط آموزشی (مثلًاً کیفیت استادان یا محتوای درس‌ها) منطبق نباشد برنامه مناسبی نیست. ویژگی دوم انعطاف‌پذیری برنامه است. در برنامه‌ریزی منعطف باید اهداف و چگونگی دستیابی به آن اهداف در طول دوره‌های معین مدنظر باشد و براساس برنامه‌ریزی انجام شده مشخص شود. اهداف مطرح شده نیز باید از دایره شعار خارج گردند و حقیقی، عینی و دردسترس باشند.

۱. نهج البلاغه، حکمت ۲۱.

۲. ناصر باهنر، «سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی ارتباطی برای توسعه»، ص ۳۶-۴۵.